

در سرتونور

آیت‌الله محمدقی صاحب یزدی

تدوین و نگارش: محمد مهدی آذر قمی

تلخیص: جواد محدثی

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱۳۹۵

www.ketab.ir

سرشناسه	مصباح، محمدتقی، ۱۳۱۳ -
عنوان قراردادی	Mishbah Yazdi, Muhammad Taqi
عنوان و نام پدیدآور	در جستجوی عرفان اسلامی، برگزیده.
مشخصات نشر	در پرتو نور/ مؤلف محمدتقی مصباح‌یزدی؛ تدوین و نگارش محمدتقی مصباح‌یزدی؛ قم: ناخمس جواد محدثی.
مشخصات ظاهری	قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ انتشارات، ۱۳۹۵.
فروست	۱۸۲ ص.
شابک	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ شماره ردیف ۱۲۲۹، عرفان؛
وضعیت فهرست‌نویسی	۹۷۸-۶۰۰-۲۲۲-۰۰۰-۲
یادداشت	قیما.
یادداشت	کتاب حاضر خلاصه شده کتاب تحت عنوان «در جستجوی عرفان اسلامی» محمدتقی مصباح‌یزدی که توسط انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در سال ۱۳۸۶ منتشر شده است.
عنوان دیگر	کتابنامه.
موضوع	نماینه.
موضوع	در جستجوی عرفان اسلامی.
شناسه افزوده	عرفان.
شناسه افزوده	مصباح، محمدتقی، ۱۳۱۳ - . در جستجوی عرفان اسلامی، برگزیده.
شناسه افزوده	Mysticism
شناسه افزوده	نادری قمی، محمدبهادی، ۱۳۴۵ - ، گردآورنده.
شناسه افزوده	محدثی، جواد، ۱۳۳۱ -
شناسه افزوده	Javad Mohadesi
شناسه افزوده	مصباح، محمدتقی، ۱۳۱۳ - ، در جستجوی عرفان اسلامی.
شناسه افزوده	مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ انتشارات.
رده‌بندی کنگره	BPT۲۸۶/۵۵۴۰۱۷
رده‌بندی دیویی	۲۹۷/۸۳
شماره کتاب‌شناسی ملی	۲۲۷۴۳۶



شمارهٔ ردیف
شمارهٔ موضوعی
۱۳۲۹
عرفان-۴۷
۱۳۹۵-۲۷

در پرتو نور

- مؤلف: آیت الله محمدتقی مصباح یزدی
- تدوین و نگارش: محمدمهدی نادری؛ تلخیص: جواد محدثی
- ناشر: انتشارات مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- چاپ: نگارش
- نوبت چاپ و تاریخ چاپ: اول، تابستان ۱۳۹۵
- شمارگان: ۱۰۰۰
- قیمت: ۹۰۰۰ تومان

- دفتر مرکزی: قم، خیابان شهده، کوی ممتاز، پلاک ۳۸
- تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۲۴۶
- شعبه تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و شهید منبری جاوید، ساختمان شماره ۳۱۰، طبقه سوم، واحد ۱۱۲
- تلفن و نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۶۶۱۲۱
- شعبه مؤسسه امام خمینی (ره): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۳۶۲۹
- آفتاب پنهان: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۰۰۰-۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹	مقدمهٔ معاونت پژوهش
۱۳	مقدمهٔ تلخیص‌کننده
۱۵	مقدمهٔ نگارنده

فصل اول: کلیت

۲۵	انواع تمایلات انسان
۲۶	نیازهای روحی انسان و تحولات نامحسوس آن
۲۷	میل‌های موقت و میل‌های ماندگار
۲۹	تمایلات عرفانی؛ خودشکوفایا ناخودشکوفایا؟
۳۱	عرفان چیست؟
۳۳	عرفان نظری و عرفان عملی
۳۶	تصوف و عرفان
۳۶	عارف کیست؟
۳۹	عرفان در اسلام
۴۴	عرفان و شرع؛ متلازم یا متفارق؟

فصل دوم: تحریف و انحراف در آموزه‌های عرفان

- ۴۹..... تحریف ادیان آسمانی
- ۵۱..... دو نمونه از انحراف در صدر اسلام
- ۵۳..... گوشه‌نشینی؛ تفکری انحرافی و باطل
- ۵۵..... تحلیل عوامل انحراف در عرفان
- ۵۹..... رد پای استعمار در عرفان‌سازی و ترویج صوفیگری

فصل سوم: شاخصه‌های عرفان اسلامی و راستین

- ۶۷..... ضرورت اهمیت بحث شاخصه‌ها
- ۶۸..... پیشینه عرفان در جوامع انسانی
- ۷۲..... تبیین شاخصه‌های عرفان صحیح بر مبنای تحلیل عقلی
- ۷۷..... ویژگی‌های عرفان اسلامی بر آینه کتاب و سنت
- ۷۷..... ۱. مطابقت با فطرت
- ۷۸..... ۲. همه‌جانبه بودن
- ۸۱..... ۳. مخالف نبودن با شریعت
- ۸۵..... دو بعد مادی و معنوی انسان؛ متعارض یا متقارب؟
- ۸۶..... پاسخ امام صادق (ع) به کج‌اندیشان راه عرفان
- ۹۵..... امام خمینی (ع) تجسم عرفان راستین
- ۹۷..... رجوع به آموزه‌ها و دستورهای عرفانی مکاتب دیگر
- ۹۹..... عرفان، در انحصار روحانیان

فصل چهارم: راه‌دهستی به مقامات عرفانه

- ۱۰۳..... در جست‌وجوی راه
- ۱۰۴..... استفاده از عقل و نقل برای شناخت راه
- ۱۰۶..... راه نقلی؛ در دسترس عموم
- ۱۰۷..... لزوم رجوع به اهل‌بیت (ع) برای یافتن راه صحیح عرفان
- ۱۰۹..... مانع مهم سیر الی‌الله

۱۱۲	موحد لفظی، مشرک عملی
۱۱۳	مراحل سیر و سلوک
۱۱۵	توحید افعالی، صفاتی و ذاتی
۱۱۹	تقوا در پرتو مشارطه، مراقبه و محاسبه
۱۲۰	مراتب مراقبه
۱۲۱	از سیر جوارحی تا سیر جوانحی
۱۲۳	مراقبه، تمرین اُنس
۱۲۴	مراقبه اول و انبیا
۱۲۶	اعمال، اذکار خاص در سیر و سلوک
۱۲۷	ذکر لفظی و ذکر قلبی
۱۲۹	جایگاه ذکر لفظی و بیان اهمیت ذکر قلبی
۱۳۱	جامع‌ترین نسخه سداک
۱۳۴	سرّ خیرالعمل بودن نماز
۱۳۶	نمازهای بی‌روح
۱۳۸	برنامه‌ای عملی برای خودسازی

فصل پنجم: بررسی بنده مشا

۱۴۹	معنای کشف و کرامت
۱۵۰	حقیقت کشف و مکاشفه
۱۵۱	مکاشفه رحمانی و شیطانی
۱۵۲	ملازمه نداشتن برخورداری از مکاشفات رحمانی با کامل بودن
۱۵۳	کرامت، حقیقت و ماهیت آن
۱۵۵	سحر و کرامت؛ دو موضوع گوناگون
۱۵۶	امام صادق <small>علیه السلام</small> و شخص غیب‌گو
۱۵۸	تشخیص کرامت از موارد مشابه آن
۱۵۹	بنده کشف و کرامت
۱۶۰	عارفان حقیقی

۱۶۲ دو حکایت از شیخ انصاری
۱۶۴ از قطب تا شریعت و طریقت
۱۶۷ سیر و سلوک و نیاز به استاد
۱۷۱ منابع
۱۷۳ نمایه‌ها

www.ketab.ir

مقدمه معاونت پژوهش

حقیقت اصیل‌ترین، جاودانه‌ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و ایمان صادق، چه جان‌ها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل‌پرستان، چه توطئه‌ها و ترفندها بر پای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ‌واقعیتی است مظلومیت حقیقت، و چه سرین‌حقیقت است این واقعیت که در مصاف همیشگی حق و باطل، حق سربلند و سرفراز است و باطل از بین‌رفتنی و نگونسار. این والایی و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق و داد، کوشش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصه نظر و عمل، کم‌کم حکم بسته و از دام و دانه دنیا رسته‌اند. در این میان، نقش و تأثیر ادیان و پیامبران الهی، به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان برحق و گرامی علیهم‌السلام، برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه، رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سینه آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه در برابر هجوم ظلمت‌پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه، دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون، در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشار فزون از شمار آثار نوشتاری و دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشواری‌تر است.

در جهان تشیع، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و... کارنامه درخشانی دارند و تأملات ایشان بر تارک پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز، پژوهشگران ما به گونه‌ای چشمگیر کوشیده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند و به‌زودی با فعالیت‌های روزافزونشان، مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی بازخواهند یافت؛ ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی، تلاش‌های دانشمندان این مرزوبوم آن گونه که شایسته نظام اسلامی است، به بار ننشسته. گام‌های جدید و اقتباس دیدگاه‌های دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه، کمتر می‌توان ردپای ابتکارات، به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی، را یافت و تا رسیدن به جایگاه مطلوب، بسی طولانی و پرچالش در پیش است؛ از این رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازمان‌دهی معارف اسلامی، کاوش در علوم انسانی و اجتماعی از دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی، به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه، است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع) از آغاز تأسیس بر اساس سیاست‌ها و اهدافی که حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (دامت برکاته) ترسیم کردند و همچنین در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌شائبه و بی‌خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، به پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته، و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، راهبردی و کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه، برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده، و - بحمدالله - تاکنون، آثار ارزنده‌ای را، در حد توان خود، به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

اثر بیش روی، تلخیص کتاب در جست‌وجوی عرفان اسلامی است که شامل مباحث استاد فرزانه، حضرت آیت‌الله مصباح یزدی (دامت برکاته) درباره عرفان اسلامی می‌باشد که با کوشش پژوهشگر ارجمند، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدمهدی نادری قمی نگارش یافته بود، و اکنون به همت حجت‌الاسلام والمسلمین جواد محدثی در این قالب تنظیم شده است. هدف اصلی کتاب، ارائه مباحثی مفید، پرمحتوا، راه‌گشا، فشرده و جذاب برای آشنایی جوانان عزیز با عرفان اسلامی است.

معاونت پژوهش، دوام عمر پربرکت معظم له و توفیق روزافزون پژوهشگران محترم این اثر را از خداوند مبین خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

www.ketab.ir

مقدمه تلخیص کننده

عطش نسلی حاضر برای مباحث عرفانی بسیار است؛ از این رو سراغ هر کتابی که نامی از عرفان دارد می‌روند، چه از مؤلفان داخلی باشد، چه از نویسندگان خارجی، چه عرفان‌های شرقی چه غربی.

پاسخ‌گویی به این باز پرس صورت دارد، تا جوانان ما از سرچشمه زلال معارف دینی و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و رهبران دینی و صاحب‌نظران مسلمان بهره‌مند شوند و به بیراهه نیفتند.

کتابی که از مجموعه مباحث ارزنده استاد فرزانه، علامه مصباح یزدی با نام در جستجوی عرفان اسلامی، تدوین و نگارش جناب آقای نادری قمی منتشر شده بود، با همه غنا و محتوای عالی، به دلیل مفصل بودنش برای جوانان آن گونه که می‌بایست، جاذبه نداشت. به پیشنهاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام قرار بر تلخیص شد. در این تلخیص، کارهایی که انجام شده، عبارت است از:

۱. روان‌سازی عبارات، در برخی مواردی که اصطلاحات سنگین علمی و عرفانی داشت و رقیق‌تر ساختن مباحث کتاب؛

۲. کاستن از حجم مطالب در اغلب بخش‌های کتاب؛

۳. حذف یا تلخیص برخی مطالب مفصلی که به تناسب بحث، در پاورقی‌ها آمده بود؛

۴. بسنده کردن به تعداد کمتری از آیات و روایات، در مواردی که به آیات و احادیث

متعدد و گاهی طولانی استناد شده بود؛

۵. حذف مباحثی که در عین مفید و علمی بودن، حالت حاشیه‌ای نسبت به اصل بحث داشت؛
 ۶. حفظ انسجام و پیوستگی مطالب کتاب، به‌رغم حذف‌ها و تلخیص‌های انجام شده.
 هدف آن بوده که برای آشنایی جوانان عزیز با «عرفان اسلامی»، اثری مفید،
 پرمحتوا، راه‌گشا، فشرده و جذاب عرضه شود. امید است که این کتاب، هدف یادشده را
 تأمین کرده باشد و برای جوانان مشتاق به مباحث عرفانی از منظر اسلامی و مکتب
 اهل بیت^{علیهم‌السلام}، آموزنده و پاسخ‌گو باشد.

جواد محدثی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لحمده رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد وآله الطاهیرین
 الهی بلس کمال الانقطاع الیک و أنر أبصار قلوبنا بضیاء نظرها
 الیک حتی تشرق بصر القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمة
 و تصیر ارواحنا مستقر بعد قدسک؛^۱

بارالها، کامل ترین انقطاع خودت را نصیب من گردان و چشمان
 قلب های ما را با روشنی نگاه به من روشن کن تا بدان جا که چشمان
 قلبها، حجاب های نور را پاره کند و به معدن من مضمّت واصل شود و
 جان های ما، به عزت بارگاه قدسیات آویخته گردد.

انسان، آن گونه که خدای سبحان در قرآن می فرماید، به طور مطلق طالب خداست و
 آن یگانه را می جوید؛ گرچه دنیا طلبی و توجه آدمی به انواع شهوات و لذایذ مادی،
 حجابی می شود بر این اصیل ترین گرایش انسانی و او را از پرداختن به آن بازمی دارد:
 فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ
 ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛^۲ «پس روی خود را با گرایش کامل به

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال مشترکه ماه شعبان، عمل هشتم، مناجات شعبانیه.

حق، به سوی دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خداوند تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

آری، بیشتر انسان‌ها نمی‌دانند که گم‌شده‌ی ایشان خداست و با رسیدن به اوست که روح ناآرامشان به قرار و آرامش می‌رسد؛ از این‌رو بسیاری از ایشان را می‌بینیم که در تکاپوی ماده و مادیات هستند و گم‌شده‌ی خود را در برهوت امور مادی و دنیایی جست‌وجو می‌کنند: فردی در ثروت، دیگری در شهرت، شخصی در شهوت، دیگری در قدرت، و... اما در این میان، اندک کسانی را می‌توان یافت که دل در گرو حقیقت هستی دارند و سب‌و‌بار در طلب اویند و او را می‌جویند. اینان خانه‌ی دل را به صاحب اصلی آن سپرده‌اند و هیچ لذتی را بالاتر از خلوت و انس با او نمی‌یابند؛ بلکه هرچه جز این را، لذت نمی‌بینند و نمی‌مانند. آن‌ها همان‌اند که قافله‌سالاران حدیث محبت و عشق را چنین زمزمه می‌کنند: «لَا تَشْرِكْ بِنُكُنْ لَذَّةَ بَغَيْرِ ذِكْرِكَ»^۱ «بارخدا یا، از هر لذتی جز لذت ذکر تو استغفار می‌کنم».

این آویختگان بارگاه قدسی اله، باور و احساس طایفه حقیقی‌شان این است که با خدا همه‌چیز دارند و بی او هیچ ندارند، و این حقیقت را چنین زیاده‌تر می‌زنند: «مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَجَدَكَ وَمَا الَّذِي فَجَدَ مَنْ وَجَدَكَ»^۲ «چه دارد، آن که تو را نیابد؟! و چه ندارد، آن که تو را دارد؟!»

اینان همان‌اند که عاجزانه و با صدق و اخلاص از محبوب خویش می‌خواهند: «الهِیْ هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْتِطَاعِ إِلَيْكَ»^۳ «بارالها، کامل‌ترین انقطاع به سوی خودت را نصیب من گردان».

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، مناجاة‌الذاکرین.

۲. همان، دعای امام حسین: در روز عرفة.

۳. همان، اعمال مشترکه ماه شعبان، عمل هشتم، مناجات شعبانیه.

خدای سبحان نیز، با اجابت این درخواستشان، با این شوریدگان محبت خویش چنان می‌کند که آنان، ریشهٔ محبت هرچه را غیر از او، از دل برمی‌کنند و جز او پناهی نمی‌گزینند: **أَنْتَ الَّذِي أَزَلْتِ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَكَمْ يَلْجَأُوا إِلَيَّ غَيْرِكَ**^۱ «تویی آن کسی که محبت اغیار را از قلب‌های محبانت ریشه‌کن ساختی، آن چنان که جز تو محبوبی ندارند و غیر تو پناهی نمی‌گزینند».

بی‌شک، تجربهٔ نوش جام محبت، نخست باید از وادی معرفت عبور کرده و شناختی هرچند اجزایی از محبوب و اوصاف او داشته باشد؛ زیرا محبت به مجهول مطلق محال است. در واقع، بهرهٔ هرکس از زمزم محبت، به اندازهٔ بهرهٔ او از نور معرفت است و حدیث دلدادگی در روایت و شناخت محبوب ریشه دارد. در این زمینه، شناخت غایبانه و معرفت حصولی نیز می‌تواند حاصل عبور از وادی معرفت به سرای محبت باشد؛ ولی معرفت حضوری و جمال معرفت را بر واسطه دیدن، حکایتی است از سنخی دیگر، و آتشی که این معرفت در جان آدمی می‌اندازد، با پرتو ضعیف و کم‌رنگ معرفت حصولی بسیار فاصله دارد.

گرچه در لزوم معرفت عقلی و حصولی خدای متعال تردید نمی‌توان کرد، سخن در این است که آنچه به واقع، جان آدمی را جلا و تکامل می‌بخشد و برای دریافت عنایات ربانی و مخاطب گشتن به خطابات رحمانی همچون **يَا أَيُّهَا النَّاسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَأَدْخُلِي جَنَّتِي**^۲ شایسته می‌گرداند، نور معرفت حضوری آن ذات اقدس است؛ وگرنه معرفت حصولی همان است که گاه برای نفس، جز ظلمت و حجاب بیشتر، ره‌آوردی ندارد و مصداق **العلم هو الحجاب الاكبر** می‌گردد. آری، آن نوری که جان اولیا را می‌نوازد، از جنس

۱. همان، دعای امام حسین، در روز عرفه.

۲. فجر (۸۹)، ۲۷-۳۰.

اشراق حقیقی است که حضرت رب‌الانوار بر دل خاصان درگاهش می‌تاباند و آنان را به مقام عالی توحید می‌رساند: **الهِیَ اَنْتَ الَّذِیْ اَشْرَقْتَ الْاَنْوَارَ فِی قُلُوبِ اَوْلِیَّائِكَ حَتّٰی عَرَفُوْكَ وَوَحَّدُوْكَ**^۱ «بارالها، تویی که انوار [معرفت] را بر قلب‌های اولیا و خواص متجلی ساختی تا به مقام معرفت رسیدند و تو را به یکتایی شناختند».

این نور همان گوهر بی‌بدیلی است که بسیاری از بزرگان، عرفا و اهل طریقت و سلوک در جست‌وجوی آن، سال‌ها سختی‌های فراوانی را بر خویش هموار ساخته، و بی‌فراوانی‌ها کرده و ناله‌ها سرداده‌اند:

فَاَنْتَ لِغَیْرِکَ مُرَادِیْ وَلَکَ لَا لِسِوَاکَ سَهْرِیْ وَسُهَادِیْ وَلِقَاؤُکَ قُرَّةٌ عَیْنِیْ وَوَصْلُکَ مِنْ نَفْسِیْ وَآلِیکَ شَوْقِیْ وَفِی مَحَبَّتِکَ وَکَهِیْ وَآلِیْ هَوَاکَ صَالَتِیْ^۲

تویی مراد من نه غیر تو؛ و رای توست شب‌زنده‌داری و بی‌خوابی من، نه دیگری؛ و ملاقات تو روشنی چشم من است و وصالت آرزوی دلم و شوقم به سوی توست شیفته دوستی توام و در هوای توست دلدادگی‌ام.

آری، کیمیای محبت که مس وجود را طلا می‌کند و انسان سفداری به ارزش و قدر می‌رساند، درحقیقت، بازتابشی است از نور معرفت حضوری پرورگار خدای سبحان نیز، محبت خویش را نشانه ایمان قرار داده است: **وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ**^۳ «کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند».

آن‌گاه حقیقت بندگی در آئینه جان آدمی تجلی می‌یابد که به رشته محبت الهی

۱. شیخ عباس قمی، *مفاتیح الجنان*، دعای امام حسین «در روز عرفه».

۲. همان، *مناجات خمس عشره*، *مناجات المریدین*.

۳. بقره (۲)، ۱۶۵.

متصل شود، و رشتهٔ محبت خداوند نیز، به جبل معرفت شهودی آن ذات اقدس گره خورده است. امام صادق علیه السلام نیز، در حدیثی به این پیوستگی اشاره می‌فرماید: **إِنَّ أَوْلَى الْأَبَابِ الَّذِينَ عَمِلُوا بِالْفِكْرَةِ حَتَّى وَرَثُوا مِنْهُ حُبَّ اللَّهِ؛** «خردمندان، کسانی هستند که اندیشه را به کار می‌گیرند تا با آن، محبت خدا را به دست آورند».

آن‌گاه آن حضرت، ثمرات مقام محبت را چنین برمی‌شمارد:

فَإِذَا بَلَغَ هَذِهِ الْمَنْزِلَةَ جَعَلَ شَهْوَتَهُ وَمَحَبَّتَهُ فِي خَالِقِهِ فَإِذَا فَعَلَ ذَلِكَ نَزَلَ الْمَنْزِلَةَ الْكُبْرَى فَعَايَنَ رَبَّهُ فِي قَلْبِهِ وَوَرِثَ الْحِكْمَةَ بِغَيْرِ مَا نَزَلَ بِهِ الْحُكَمَاءُ وَوَرِثَ الْعِلْمَ بِغَيْرِ مَا وَرِثَهُ الْعُلَمَاءُ وَوَرِثَ الصِّدْقَ بِغَيْرِ مَا وَرِثَهُ الصَّادِقُونَ؛ إِنَّ الْحُكَمَاءَ وَرَثُوا الْحِكْمَةَ بِالصَّمْتِ وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثُوا الْعِلْمَ بِاللُّبِّ وَإِنَّ الصَّادِقِينَ وَرَثُوا الصِّدْقَ بِالْخُشُوعِ وَطَوْلِ الْعِبَادَةِ؛^۱

هنگامی که [فرد] به این منزلت برسد، خواهش و محبت خود را از آن پروردگارش قرار می‌دهد و هرگاه خشن کند، به بزرگ‌ترین منزلت دست یابد و پروردگارش را در دل خویش ببیند و حکمت را بیابد، نه از طریقی که حکما یافتند، و دانش را بیابد نه از طریقی که دانشمندان یافتند، و صدق را بیابد، نه از طریقی که صدیقان یافتند. به‌راستی که حکیمان، حکمت را با خاموشی به چنگ آورده‌اند، و دانشمندان، دانش را با طلب و جست‌وجو، و صدیقان، صدق را با خشوع و عبادت طولانی.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۴۰۳، باب ۴۶، روایت ۱۵.

ملا احمد نراقی نیز، در مثنوی طاق‌دیس، در وصف مقام محبت چنین می‌گوید:

خیمه زد چون در دلت سلطان عشق
مُلک دل گردید شهرستان عشق
هم هوا زان جا گریزد هم هوس
جز یکی آنجا نیابی هیچ کس
آنچه او خواهد همی خواهی و بس
نی هوا باشد تو را و نی هوس
بلکه خواهش از تو بگریزد چنان
کان چه تو خواهی نخواهی، خواهد آن
گیرد اندر بزم اطمینان مقام
فادخلی فی جنتی آمد پیام

اما گوهر محبت و محبت الهی هرگز به آسانی به چنگ نمی‌آید و سالک برای رسیدن به آن، باید با محضرت بسیاری دست‌وپنجه نرم کند. گزاف نیست اگر بگوییم مهم‌ترین مسئله فراروی سالک یافتن اصل راه است؛ زیرا اگر مسیر انتخاب‌شده اشتباه باشد، سالک از کوشش‌ها، رنج‌ها و زحمات‌های خود، طرفی نخواهد بست و طی طریق، حاصلی جز دوری از مقصد برایش نترساند است؛ از این‌رو پیش از هر چیز، باید برای شناخت راه صحیح عرفان، طریقت و سلوک فراول که شید و نهایت وسواس و دقت را به کار برد. در این راه، بهره‌گیری از مشورت‌ها و راهنمایی بزرگان و استادان قابل اعتمادی که سوابق، مطالعات و تجربیاتی در این مهم دارند و با آرزوها و مؤلفه‌های اسلام راستین آشنایند، می‌تواند بسیار مفید و راه‌گشا باشد. بدین طریق فقیر بر آن شدم تا در این زمینه مطالبی را گردآوری و تنظیم کنم که استاد فرزانه و سلام‌شناس آگاه و برجسته، حضرت آیت‌الله مصباح یزدی^۱ دام‌ظله‌العالی، در جلسات گوناگون بیان

۱. برای آشنایی بیشتر با شخصیت حضرت آیت‌الله مصباح دام ظلم مناسب است دیدگاه برخی از بزرگان را درباره ایشان بیان کنیم:

۱. آیت‌الله‌العظمی بهجت:

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر آقانهانی نقل می‌کند: «قبل از پیروزی انقلاب، عده‌ای از بازاریان قم خدمت آیت‌الله بهجت آمده و از ایشان درخواست کرده بودند که خودشان یا یک نفر از روحانیون مورد تأییدشان، درس اخلاقی برقرار کنند»

«آیت‌الله بهجت فرموده بودند که آقای مصباح یزدی مورد تأیید من است. بروید از ایشان بخواهید و من هم از ایشان می‌خواهم که درس اخلاق را بیان کنند. این درس اخلاق تا مدت‌ها در منزل مرحوم اسلامی برگزار می‌شد (زندگی‌نامه آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۳۱).

۲. علامه طباطبایی:

مصباح در میان شاگردان من، مانند انجیر در میان سایر میوه‌هاست؛ چراکه فکر او هیچ چیز زاید و دورریختنی ندارد (همان، ص ۲۸۳، به نقل از حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ‌علی‌اصغر مروارید).

۳. آیت‌الله بهاء‌الدینی:

حجت‌الاسلام والمسلمین حسین‌زاده می‌گوید: «حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی منزلت خاصی برای استاد مصباح قایل بودند. یک روز آیت‌الله بهاء‌الدینی مشغول صحبت بودند که در اثنای جلسه، حضرت استاد تشریف آوردند و طبق ادب اخلاقی خودشان، همان ابتدای مجلس مستند؛ ولی حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی به احترام ایشان صحبتشان را قطع کردند و از جا برخاسته و ایشان را در کنار خود نشان دادند و جمله‌ی عجیبی درباره‌ی ایشان فرمودند که مضمونش این بود: "من در سیمای تو قرآن را می‌بینم." من بسیار خجسته آیت‌الله بهاء‌الدینی رسیدم، ولی هیچ‌گاه ندیدم ایشان درباره‌ی احدی چنین جمله‌ای را به کار ببرند».

۴. مقام معظم رهبری (آیت‌الله العظمی خاتمی):

«بنده نزدیک به چهل سال است که جناب آقای مصباح را می‌شناسم و به ایشان به‌عنوان یک فقیه، فیلسوف، متفکر و صاحب‌نظر در مسائل اساسی اسلام ارادت قلبی دارم. اگر خداوند متعال به نسل کنونی ما این توفیق را نداد که از شخصیت‌هایی مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری استفاده کنیم، لطف خدا این شخصیت عزیز و عظیم‌القدر، خلأ آن عزیزان را در زمان ما پر می‌کند» (روزنامه جوان، ۱۴ شهریور ۷۸، ص ۱ و ۲).

ایشان همچنین در ۵ تیر ۱۳۸۰، در دیدار جمعی از نونهالان و نوجوانان حافظ قرآن، فرمودند: «من خواهش می‌کنم، ایشان [حجت‌الاسلام طباطبایی] و مجموعه دست‌اندر کار به این نکته توجه کنند که پایه‌های معرفت و معلومات قرآنی و دینی [حافظان و قاریان خردسال]، آگاهی‌های استدلالی و عمق بخشیدن استدلالی به اعتقادات، اساساً هم حتماً در برنامه قرار بدهید... به نظر من، یکی از چیزهایی که می‌تواند خیلی کمک کند به این قضیه، این است که از کتاب‌های شهید مطهری، از معارفی که امروز بزرگانی از قبیل آقای مصباح و دیگران که واقعاً مبانی فکری اسلام دست اینهاست، از اینها استفاده کنید؛ حتی می‌شود اینها را ساده کرد. شما می‌توانید این کار را بکنید» (هفته‌نامه پرتو سخن، ۱۳ تیر ۸۰).

۵. آیت‌الله مشکینی:

«آیت‌الله مصباح» از آن وجودات پربرکت است. آقایان، حوزه‌ها باید ده‌ها سال سهم امام مصرف کنند، هزاران نفر در اینجا تحصیل کنند، میلیاردها پول از کیسه امام خرج شود... تا در هر عصری یک چند نفری، مثل آیت‌الله مصباح باشد و این‌طور افراد در جامعه پیدا بشود. اگر ده نفر عالم بزرگ در حوزه پیدا کنید یقیناً یکی از آنها آیت‌الله مصباح است. ما به عظمت او

داشته‌اند. خدای منان را شاکرم که این توفیق را نصیب فرمود و پس از چند ماه مطالعه و کوشش، اکنون این مجموعه می‌تواند در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

گفتنی است که با مشورت و موافقت جناب استاد دام‌ظله - حقیر مطالبی را در پاورقی اضافه کرده‌ام؛ از این رو به‌جز یکی دو پاورقی در فصل اول، بقیه پاورقی‌های این فصل و دیگر فصل‌های کتاب، از اضافات حقیر است و اگر کاستی و ضعفی در آن دیده می‌شود به همین دلیل است. امید که حضرت حق در همه کارها به ما اخلاص عنایت فرماید تا همه آنها در درگاهش پذیرفته شود. آمین.

تیرماه ۱۳۸۴ شمسی

مطابق با جمادی‌الثانی ۱۴۲۶ قمری

محمد مهدی نادری

www.ketab.ir

معتقدیم... او یکی از خزانه‌های وجودی ماست» (حمید رسایی، تحصن چرا و چگونه، ص ۱۴۴).

آیت‌الله مصباح، خود درباره استادان اخلاقشان می‌گویند «از بزرگانی که من به‌عنوان اساتید اخلاق می‌توانم نام ببرم، این سه بزرگوار بودند: آقای طباطبایی، آقای بهجت و مرحوم آقای انصاری همدانی...» متن پیاده‌شده از نوار مصاحبه با آیت‌الله مصباح یزدی.